

## نگاهی به ۴۵ روز اعتصاب و اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه!

آقایان مسند نشین؛ گیریم که با سینه زنی و عزادری تان، خلق را بفریبید، فریفتید؛ با شکم های گرسنه ۲۵ هزار تن از خانواده های کارگران شوش چه می کنید!؟



### در ادامه این پیکار و کار، کارگران نیشکر هفت تپه تنها نیستند!

امیرجواهری لنگرودی

چهارشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۹ برابر با ۲۹ جولای ۲۰۲۰

امروز چهارشنبه ۸ مرداد در گرمای «خرما پزان» و در شرایط دشوار کرونایی جنوب کشور، کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه چهل و پنج روز است اعتراضشان را در مقابل وعده های توخالی مسئولان با تجمع در درون کارخانه و بعدتر در مقابل فرمانداری و اداره کار و راهپیمایی ها در سطح شهر شوش دنبال کردند.

۴۵ روز است که کارگران بخش های مختلف نیشکر هفت تپه - غیر از بخش ایبیری- روزانه در راستای مطالبات خود به اعتراض و اعتصاب می نشینند و درخواست های خود را بر زبان می رانند. اعتصاب و اعتراض این دوره برپایه خواسته های مرکب زیر شامل:

- \* پرداخت فوری حقوق های معوقه که اکنون چهار ماه است پرداخت نشده است!
- \* تمدید دفترچه بیمه!
- \* بازگشت به کار فوری برای همکاران اخراج شده!
- \* محاکمه و مجازات کارفرمای نیشکر هفت تپه به خاطر اختلاس ارزی و سرکوب کارگران!

\* لغو خصوصی سازی شرکت نیشکر هفت تپه!  
\* بازگشت ثروت های اختلاس شده به کارگران!  
\* پایان کار مدیران بازنشسته!

این خواسته ها هر روز از حلقوم خسته و گرسنه یکایک کارگرانی که در گرمای بالای ۵۰ درجه شوش و در شرایط اعلام وضعیت قرمز کرونایی استان خورستان در کف خیابان هستند، فریاد زده می شود.

اعتصاب دوسال پیش هفت تپه ۲۸ روز اعتراض با پشتوانه سازمانگری توانا از تبار هفت تپه «اسماعیل بخشی» و حمایت همه جانبه سندیکای نیشکر هفت تپه و همراهان آنها در کف خیابان دوام آورد تا اینکه قوای سرکوب ریختند و زدند، بردند و خوردند. یعنی امروز به جای پاسخ به مطالبات کارگران اعتراضی، تعدادی از فعالین صنفی از جمله فعال پیشکسوت بازنشسته و یکی از پایه گذاران سندیکای نیشکر هفت تپه علی نجاتی در شرایط بیماری بعد از عمل جراحی قلب باز در کنار چهره سرشناس اسماعیل بخشی و آن دیگران را دستگیر و برایشان پرونده امنیتی ساختند. اگر چه دستگیرشدگان بعداً آزاد شدند، اما سپیده قلیان یکی از حامیان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه با گذشت دو سال اخیراً بار دیگر راهی زندان شده است.

### **امروز پرسش اساسی این ها است:**

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا همه ظرفیت و توانایی مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را شقه شقه کنند و در هم بریزند.  
چرا اینگونه است و چه کسانی دست اندرکار این ویرانگری اند؟  
چه می توان کرد؟

جرقه اعتراضات دوره اخیر کارگران نیشکر هفت تپه با شروع محاکمه اسد بیگی، کارفرمای این شرکت شروع شد و با این که در این دادگاه دولت روحانی به عنوان حامی کارفرما در برابر قوه قضاییه جای گرفت و وکیل برادر رئیس جمهور دفاع اسد بیگی را به عهده دارد و اسحاق جهانگیری نیز مدافع خاندان اسد بیگی ها شد، اما کلیت حاکمیت اسلامی در برابر اعتراضات طولانی مدت کارگران، تاکنون در عین ارباب و تهدیدات امنیتی آنان، سیاست بی اعتنایی و تفرقه اندازی در بین گروه های مختلف کارگران صنعت نیشکر را به کار گرفته و همچنان دنبال می کند.

در پاسخ به چرایی این شقه شقه نمودن کارگران می توان گفت : یکی از دلایلی که جناح های مختلف حاکمیت را علیه کارگران هفت تپه متحد کرده است، مطالبه لغو خصوصی سازی شرکت نیشکر هفت تپه است که از آن با شعار با مسما «خلع ید بخش خصوصی» نام می برند. منابع مالی، زمین های شرکت ها، ماشین آلات و دستگاه های کار و تسهیلات اعتباری بسیاری از واحدهای بزرگ تولیدی بخش صنعت ایران که در دو دهه اخیر به بخش خصوصی واگذار شده اند از سوی کارفرمایان خصوصی که اغلب وابستگان حاکمیت و سپاه و بسیج، آقا زاده ها و ژن های برتر هستند، شبکه ای عظیم از غارت کارگران در رشته های مختلف را شکل داده است. امروز لغو خصوصی سازی مطالبه مشترک کارگران این واحدهاست. برخی از آنان نظیر کارگران کارخانه ماشین سازی

تبریز و یا تولید ماشین آلات صنعتی هیکو بیش از ۴ سال است که علیه کارفرمای بخش خصوصی و خصوصیتی اعتراض می‌کنند.

فراتر از این، آنچه در پیکره اعتراضات سال‌های اخیر خود را نشان داده و همه مردم ما آنرا می‌شناسند و در ده‌ها حرکت اعتراضی معلمان، بازنشستگان و دانشجویان یا پرستاران خود را نشان داده است، خصوصی سازی‌های گسترده در نظام آموزش و پرورش ایران و بخش بهداشت و درمان، بخش صنعت و معادن می‌باشد که تأثیر گسترده و زیان باری در یکایک این بخش‌ها و دیگر عرصه‌های زندگی زحمتکشان برجا گذاشته و نارضایتی وسیعی در میان معلمان و پرستاران و کارگران بخش‌های گوناگون ایجاد کرده است.

وحشت حاکمیت از آنست که عقب نشینی در برابر مطالبه لغو خصوصی سازی نیشکر هفت تپه، نارضایتی‌های گسترده موجود را در تمامی این بخش‌ها شدت بخشد؛ لذا ترجیح می‌دهد با ارباب، تفرقه اندازی و سانسور خبرها، کارگران را در محاصره گرسنگی، کرونا و گرمای طاقت فرسای شوش از پا بیاندازد.

ابراهیم عباسی یکی از سخنگویان جسور این دوره در چهل و سومین روز اعتراض در برابر فرمانداری فریاد می‌زند: «... یک مسئول نداریم که مردم را بخواهند. می‌خواهند ما را بکشند ولی نمی‌دانند چه جوری بکشند. می‌خواهند خودمان بیاییم همین جا از گرما و کرونا بمیریم که بگویند خودش مُرد. بعد نمی‌گویند کرونا گرفت مُرد، می‌گویند: مشکل زمینه‌ای داشت، بیماری زمینه‌ای داشت. این قلبش مشکل داشت...»

امروز در برابر صف متحد کارگران شوش که با عزمی راسخ در خیابان‌اند، همه عوامل سرکوب دست اندر کارند تا در تقابل آشکار با میدان داران شناخته شده و موثر کارگران هفت تپه که با حضور مادی و معنوی شان در صحنه پیکار و کار، بدل به چهره شده‌اند، شکاف اندازند. برآند یوسف بهمنی، محمد خنیفر، اسماعیل بخشی، سالار بیژنی، علی نجاتی، ایمان اختری، ابراهیم عباسی، حسن کهنگی، مسلم چشمه خاور و بیشمارانی را که اخراجی و بازنشسته‌اند با اتهام " احلال در نظم عمومی " از چرخش بازدارند و نمایش مقاومت چهل و پنج روزه که طولانی‌ترین اعتراض هفت تپه است را در هم شکنند!

این قافله در هم تنیده نقشه کشِ قداره بند در ترکیب نمایندگان استان و شوش، کمیسیون کارگری و اجتماعی مجلس اسلامی یا در هیکل وجودی رئیس جمهور و عوامل دولت و وزارت خانه‌های ذیربط مانند: کار، اقتصاد، کشاورزی و نیز بانک‌ها و به خصوص بانک مرکزی، همچنین وزارت کشور همچنان به حمایت از اسدبیگی‌ها می‌پردازند. متعاقب آنها قوه قضائیه و نیروهای امنیتی کشور، استانداری خوزستان و فرمانداری شوش، امام جمعه، شورای شهر و شورای اسلامی کارخانه و اداره کار شهرستان، همه و همه با فراز و فرودهای ویژه خود، برای نجات سرمایه‌های دزدیده شده اسد بیگی‌ها و شرکاء، مجتمع بزرگ کشت و صنعت نیشکر، در شقه شقه نمودن اتحاد و یکپارچگی کارگران هفت تپه دست در دست هم‌اند تا ضربه را فرود آورند؛ چرا که بدون سلاخی هفت تپه؛ تکه تکه کردن توان و بنیه باقی مانده کارگران گرسنه، نمی‌توانند به سادگی آنان را از پای درآورند.

در این زمینه استاندار خوزستان، غلامرضا شریعتی در فشرده‌ترین بیان گفتگوش با خبرگزاری ایسنا می‌گوید: «گویا درآمد شرکت از هزینه‌های آن کمتر است» و راه حل را کاهش تعداد کارگران و پیدا کردن شغل برای آنها در جاهای دیگر عنوان کرده است. در خبرگزاری ایسنا از قول شریعتی استاندار خوزستان در باب هفت تپه آمده است: «پیش از واگذاری از سوی دولت نیز دارای زیان انباشته زیادی بوده است، چرا که بیش از درآمدی که از تولید حدود ۲۰ هزار تن نیشکر با حدود ۵۰۰۰ نیروی انسانی در کارخانه و نیز ۱۵۰۰ نفر نیروی کارگری و فصلی نی بُر در مزارع کسب می‌کند، هزینه دارد. بنابراین فعالیت این واحد تولیدی اقتصادی نیست و کمتر سرمایه‌گذاری حاضر به فعالیت در این شرکت است. باقی شرکت‌های توسعه‌ای تولید نیشکر در خوزستان با حدود میانگین ۱۷۰۰ نیرو و همین میزان تولید شکر در حال فعالیتند، بنابراین در مقطع فعلی بهترین راهکار برای تثبیت شرایط فعلی کارخانه تولید شکر هفت تپه، توسعه تولید است.»

ایسنا نوشته: «شریعتی برآنستکه است، کارخانه هفت تپه با هزار خون دل نگه داشته شده است» و مدعی‌ست: «هم اینک تا آنجا که اطلاع دارم همه کارگران معترض بازداشتی با عفو مقام معظم رهبری آزاد شده‌اند و حقوق معوقه از ۶ ماه به یک ماه معوقه رسیده و از سوی دیگر در سطح ۲۵۰۰ هکتار کشت جدید در یک سال انجام شده است؛ قرار بود امسال ۴۰۰۰ هکتار کشت جدید انجام شود که به نظر می‌رسد امسال کشت جدید انجام نشده و دلیل آن درگیری با مشکلات حقوقی عنوان شده است. گرچه فعالیت این کارخانه در حال انجام است اما آنچه که مسلم است باید برای سال‌های آینده این شرکت فکری جدی شود چرا که اگر فکر نشود دوباره با مشکلات جدی مواجه خواهد شد.» (۱)

باید به صدای بلند به استاندار خوزستان گفت: اگر کارگران هفت تپه چنین می‌پنداشتند که این صنعت پاسخگو نیست، شما زودتر از این می‌بایست برای پیدا کردن کار آنها اقدام می‌نمودید. اما دیدیم که کارگران در شرایط دردناک گرسنگی، برای دستیابی به نان، خطر ویروس کرونا را به جان خریدند و ماندند و اعتراض کردند و همچنان ادامه می‌دهند.

استاندار که این واحد تولیدی را اقتصادی نمی‌داند و از ورشکستگی این صنعت حرف می‌زند، در واقع به شکلی همان ادعای اسد بیگی مدیرعامل را تکرار می‌کند که می‌گوید: «پول نداریم» تا از خودشان رفع مسئولیت کرده باشند. تنها از همین رو است که دهان به دهان می‌گردد؛ استاندار فاسد خوزستان فقط در یک مورد دویست هزار دلار رشوه گرفته تا هزینه سفر همسرش به خارج نماید. به گزارش خبرگزاری فارس: «... آنچه باعث بازتاب‌های گسترده این دادگاه شد، مطرح شدن نام استاندار خوزستان بود. در یکی از موارد مطرح شده در خصوص استاندار خوزستان، بازپرس اعلام داشت که در جریان تحقیقات آقای امید اسدبیگی عنوان داشته که مبالغی را برای مسافرت استاندار خوزستان و خانواده وی هزینه کرده است که این مطالب صورتجلسه و در پرونده موجود است.» (۲)

به قول بعضی‌ها، این مبلغ رشوه نیست بلکه قسمت کوچکی از سهم استاندار در شبکه اختلاسگران است. استاندار خوزستان یعنی شریعتی بالغ بر یک میلیون دلار سهم ارز از این اختلاس‌ها را خود گرفته است. دولتی‌ها فقط حامی اسدبیگی به عنوان یکی از هم

جنای‌های خود نیستند بلکه مستقیماً در این فساد ارزی و حتی در خرید هفت تپه سهمیم هستند.

اگر این صنعت زیان‌ده است، چرا این زیان تنها متوجه کارگران است ولی مال اندوزان صنعت نیشکر همواره جیبشان پُر پول و درآمد می‌باشد و در صحنه‌های نمایشی دادگاه اسدیگی از میلیاردها پول صحبت به میان آمده است؟

اما «محمد کعب عمیر» نماینده شوش در مجلس اسلامی درخصوص این اعتصاب به خبرگزاری ایلنا گفته است: «ده میلیون یوان چین (۲۰ میلیارد تومان) در حساب سهامداران نیست و ایرادهای از طرف آقایان جهانگیری و نوبخت برای پرداخت حقوق هفت تپه نیست. از آقای رئیسی خواستار شدم و نامه نگاری کردم که مشکلات هفت تپه حل شود و توضیح دادم که سهامداران فعلی اهلیت مدیریت هفت تپه را ندارند.» (۳) ، واقعا ممکن است پول کافی در حساب سهامداران نباشد، ولی گزارشاتی که از جلسات محاکمه اسدیگی مدیر عامل مجتمع منتشر شده‌اند حاکی از انتقال مبالغ هنگفتی از پول‌ها به جاهای دیگری است.

در همین رابطه دادگاهی که ۲۱ نفر از متهمین ارزی را در پرونده ۱۸ جلدی خود تا به امروز به نمایش گذاشته است. درحالی‌که دادگاه ادامه دارد. در سی و هشتمین (۳۸) روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در کانال تلگرامی سندیکای نیشکر هفت تپه آمده است: «بر اساس اخبار موثق

حجم زیادی از یک میلیارد و نیم دلار ارزهایی که اسدیگی‌ها که بخش زیادی از مبلغ دریافتی به نام هفت تپه از بانک مرکزی دریافت کرده‌اند، بوسیله صرافی‌ها به خارج از کشور انتقال داده‌اند.

اسدیگی‌ها نه تنها با ندادن حقوق کارگران را به گروگان گرفته‌اند بلکه قوه قضاییه را نیز با انتقال ارزها به خارج از کشور خلع سلاح کرده‌اند. پس دلخوش به این دادگاه نباشید!...

دادگاه نهایتاً چند سال زندان برای این مفسدان حکم می‌دهد و نهایتاً همچون متهمین ارزی و یا متهمین مالی که همگی از وابستگان به دایره خودی‌ها هستند از یک در وارد و از در دیگر زندان خروج می‌زند! مدتی استعلاجی و در ادامه عفو مشروط به خاطر پدر شدن خارج از زندان خواهند بود!

پس منتظر معجزه دادگاه نباشید! اتکای ما فقط و فقط باید به خودمان باشد و بس! اتحاد. اتحاد. اتحاد...» سناریوی دادگاه نمایشی نشان می‌دهد دولتی‌ها فقط حامی اسدیگی و شرکاء او به عنوان یکی از همراهان او در خصوصی سازی و خصولتی نمودن صنایع نیستند بلکه مستقیماً در این فساد ارزی و حتی در خرید هفت تپه سهمیم هستند.

روح دمیده شده در کالبد «روح الله ایزد خواه» نماینده مردم تهران در گفتگو با خبرگزاری مهر با اشاره به مدل کارگر - مالکی در واگذاری شرکت، در تقسیم صنعت نیشکر به بخش‌های کوچکتر در هر دو بخش کشاورزی و صنعتی و متفرعیات آنها و به قول این بزرگوار، راه حل این است که این شرکت‌ها به بخش‌های اقتصادی سودآور کوچک تقسیم شوند به عنوان نمونه تبدیل به ۲۰ الی ۳۰ حلقه مختلف شوند سپس این حلقه‌ها به صورت جداگانه واگذاری شود. به طوری که در این پروژه دست پخت ایشان، از قول وی آمده است: «نمونه کارگر - مالکی در برخی از کشورهای دیگر دنیا مانند اسپانیا موفق بوده

است». و در پاسخ به این سوال که آیا کارگر قدرت مدیریت سودمند شرکت را دارد؟ می‌گوید: «برای حل این موضوع می‌توان ۸۰ درصد سهام را به کارگران و ۲۰ درصد دیگر را به کارآفرینی واگذار کرد که می‌تواند به عنوان نمونه واحد الکل سازی را مدیریت کند. برای این ۲۰ درصد مزایده گذاشته شده و اهلیت‌سنجی صورت نگیرد اما اکثریت سهام با کارگران است.» (۴)

پرسش اساسی از پروژه ساز و آگذاری شرکت هفت تپه به صورت کارگر- مالکی شدن این است: کارگری که به نان شب خود محتاج است و ده‌ها بدهی و هزینه‌گذاران زندگی بر دوش او سنگینی می‌کند و چند ماه هم حقوق نگرفته چگونه می‌بایست سهم هشتاد درصدی خود را برای جریان انداختن این «تعاونی» من در آوردی تأمین نماید؟

جدا از این در سطح خود صنعت نیشکر، به مانند همیشه و همه صنایع موجود دخالتگری حراست (امنیت) آشکار است. این اواخر شاهد تحرکات بیشتر امجدی معروف به امجد، مسئول حراست شرکت هفت تپه بوده‌ایم. ایشان در یکی از اقدامات جدید خودش برای تعدادی از کارگران پرونده سازی کرده است. امجد فرستاده مستقیم وزارت اطلاعات است. امجد ادامه شبکه فاسد شریعتی استاندار - وزارت اطلاعات و همکار شبکه حسینی پویا (دادستان خوزستان) - جعفری چگنی (رئیس دادگستری شوش) است که همگی دشمن درجه یک کارگران هفت تپه و مردم منطقه هستند. امجد در سرکوب کارگران و خوش خدمتی به خاندان اسدبیگی یعنی نابودی هفت تپه و شکنجه جامعه بزرگی در خوزستان، دست به هر کاری می‌زند. کارگران برآنند که باید به این پرونده سازی‌های امجد جواب شایسته داده شود.

این اواخر با حضور نماینده شوش «کعب عمیر» در کمیسیون اجتماعی مجلس با دیگر اعضای این کمیسیون می‌خواهند نیشکر هفت تپه را هم به تأمین اجتماعی ورشکسته واگذار کنند که با خصوصی سازی بورسی چند چهره امنیتی پوششی دیگر، اینبار آنها را به جان کارگران بیاندازند... نظیر همان آفتی که در دولت احمدی نژاد با برغماری آدم فاسدی همچون سعید مرتضوی بر رأس سازمان تأمین اجتماعی صورت گرفت که بخش وسیع ثروت و دارایی این سازمان با زد و بند به بابک زنجانی واگذار شد که تا به امروز ده شاهی نم پس نداده و همچنان روزگاران آفتابی‌اش در کنار ساحل شنی جزایر کیش و سواحل دریای سیاه، امروز روی فرش قالی اوین نشسته و به همه پوزخند می‌زند.

کارگران می‌گویند: نمی‌گذاریم شرکت را به تأمین اجتماعی ورشکسته واگذار نمایند تا آنها هم به بورس بسپارند و ده تا اسدبیگی با پشتوانه ده‌ها مقام دولتی و امنیتی از راه برسند و سهام را در بورس خریداری کنند و اینبار به جای یک اختاپوس، ده‌ها اختاپوس بر کرده کارگران سوار گردند.

به عبارتی واگذاری شرکت به تأمین اجتماعی یعنی ادامه نابودی صنعت نیشکر هفت تپه. چرا که دولت بزرگترین بدهکار سازمان تأمین اجتماعی است و در این میان نیشکر به چه کارش می‌آید؟ صد البته آنرا به بورس وا می‌گذارد. در چنین شرایطی هر سهامدار گردن کلفتی مثل اسدبیگی می‌تواند در موج واگذاری به بورس سوار شود و از در دیگری وارد گردد. در حالی که خواسته واقعی و اصلی کارگران هفت تپه، لغو خصوصی سازی از هفت تپه است. واگذاری شرکت به تأمین اجتماعی یعنی همان بلایی که سر کارخانه

«هپکو» آوردند و الان باعث اعتراض و اعتصاب کارگران هپکو شده؛ یعنی ادامه بدبختی و زیر گرفته شدن امنیت شغلی کارگران هفت تپه به مانند هپکو... پس خوب که نگاه کنیم، در می‌یابیم دولت و مجلس به شکل توامان، نابودی شرکت هپکو و اخراج دسته جمعی و آوارگی کارگزارانش را که چهار سال تمام علیه خصوصی سازی جنگیده‌اند به شرطی برای نمردن بازنشستگان تأمین اجتماعی از گرسنگی تبدیل کرده است که براساس آمارها حدود ۶۰ درصدشان حداقل بگیرند. یعنی از جیب کارگران به جیب بازنشستگان یعنی کارگران دیروزی ریخته‌اند. تا نان یکی به قیمت خون دیگری به کار گرفته شود. این چهره واقعی دولت و دستگاه نئولیبرال است!

تا اینجای کار طرح‌های ارائه شده بیان سریع کوچک کردن، در هم شکستن و انشقاق در بین سلسله اعتصاب و اعتراضات واقعاً موجود هفت تپه، نمای عمومی حاکمیت اسلامی است که پیشتر در حق کارگران معدن بافق، معدن چادر ملو، معدن زغال سنگ کرمان، فعالان کارگری سندیکای شرکت واحد، هپکو، آذر آب، فعالان محیط زیست، پرستاران زن جامعه همه و همه به همین شکل متلاشی و چند تکه نمودند.

### **جمع‌بندی تاکنونی:**

\* در وضعیت موجود و در برابر طرح‌های ارائه شده حرف‌های کارگران هفت تپه سر راست است:

تا رسیدن به مرحله خلع ید از بخش خصوصی (که قانوناً با رأی دادگاه علیه مختلسین انجام خواهد گرفت) و به صورت فوری باید مدیریت امیراسدبیگی-صابریان (تمام عوامل مدیریتی اسدبیگی-رستمی) و عوامل اختلاسگران برکنار گردند و به طور موقت و فقط برای همین روزها، نماینده‌ای از دولت برای مدیریت موقت و اورهال و جلوگیری از اجاره و تخریب املاک و... معرفی گردد تا کارگران فرصت سازمان‌یابی خود را بیابند.

\* برای دریافت حقوق‌های عقب مانده، باید تمام مبالغ باقی مانده و موجود در حساب‌های اختلاسگران که مسدود شده‌اند، بشکل فوری و به طور کامل از دسترس اختلاسگران خارج و از ارائه حقوق‌های قطره چکانی پرهیز گردد و تمامی بدهی پرداخت نشده کارگران تسویه شود.

\* کارگران امروز خود در حال مذاکره با هم‌اند ولی همگی آنان بر سر اینکه همه امور شرکت می‌باید از بخش خصوصی ستانده شود یا به خود دولت واگذار گردد یا با دخالت مستقیم و نظارت کارگران باشد یا اگر همکاران بخش‌های مختلف نظرشان بر واگذاری شرکت به کارگران بود، این روش انجام پذیرد.

\* گزایشی از واگذاری موقت مدیریت به نماینده دولت‌اند تا اینکه وقتی در چند ماه آینده خلع ید کامل انجام شد، تعیین تکلیف نهایی توسط کارگران صورت پذیرد.

\* گرایش دیگری از کارگران خواهان خلع اختیار تمام اختلاسگران بر حساب‌های بانکی و پرداخت حقوق به طور مستقیم و سر وقت تا کسب تمامی سیستم مالکیت و مدیریت و حقوق و... به طور اساسی تغییرات پایه‌ای به تدریج صورت گیرد.

\* مبارزه تا به امروز و آنچه که به فریاد عمومی همه بخش‌های کارگران اعم از فصلی، موقت، قراردادی، پیمانی، رسمی و کارگران اخراج شده هفت تپه بدل شده، نشان داده است؛ امکان ندارد کارگران هفت تپه بتوانند این جنگ نابرابر طبقاتی را به تنهایی به نتیجه برسانند. چرا که این یک جنگ سراسری با کل حاکمیت طرفدار سرمایه است و مبارزه همه بخش‌های جنبش کارگری را باید با خویش و خواسته‌هایشان همراه نمایند.

\* مبارزات طبقاتی کارگران باید با هدف اتحادهای وسیع در دل همگرایی‌ها، به منظور به عقب نشینی واداشتن رژیم در تمامی حوزه‌ها عمل کند!

\* در تمامی سال‌های مبارزاتی کارگران ایران در بخش‌های مختلف تا به امروز شاهد بوده‌ایم؛ چنانچه جنگ از پائین داغ گردد همه عمه تباهی آور چرخه سرمایه به شکل متحد عمل می‌کنند.

از اینرو جهت گیری اساسی کارگران در نهایت باید بر پایه جنگ گریلایی به پیش رود. جنگ را به تنهایی نمی‌توان پیش برد. جنگ موجود باید از هفت تپه بیرون آید و گسترش پیدا کند و این یگانه درس طولانی مدت اعتصاب تاکنونی هفت تپه است.

\* باید این دوره طولانی اعتصاب با همه دست‌آوردهای اش که تاکنون بازوی خبر رسانی و متحد نگه داشتن این نیروی عظیم پرمعنی‌ترین نتیجه‌اش بوده است با دوره تنفسی همراه گردد تا مبارزان هر بخش با جمع‌بندی از نتایج خود تا امروز، در دوره بعدی بتوانند متحدتر و سازمان‌گرانه‌تر مبارزه را به پیش ببرند.

\* در بیرون از کشور و در سطح بین المللی، باید جنبشی برای گرسنگان هفت تپه به راه انداخت.

\* مبارزه طولانی اعتصاب، بدون پشتوانه صندوق اعتصاب، شکننده خواهد بود. از اینرو جنبش همیاری‌های مالی در سطح اروپا، کانادا، آمریکا را باید وسعت داد. کمک‌های مالی نیروی مدافع کارگران در خارج از کشور به داخل تا به امروز نشان داد که یاری‌های مالی شکم گرسنه کارگر و خانواده‌اش که از چهارماه حقوق و مزایا بی‌بهره‌اند، سیر نخواهد کرد ولی درس بزرگی از پشتیبانی و حمایت جهانی را به آنان خواهد داد که در استمرار این مبارزه تنها نیستند.

\* کارگران هفت تپه برآنند: از کارگران، اتحادیه‌های کارگری، رسانه‌ها، وکلا، انسان‌ها و نهادهای مدافع آزادی و برابری، عدالت و انسانیت و عموم مردم شریف و آزادی‌خواه سراسر جهان درخواست داریم صدای ما کارگران بی‌پناه هفت تپه را بشنوند و به انحای



مختلف در مقابله با این باند سرقت و بلوکه کردن این ارزها به منظور بازپس دادن آن به کارگران هفت تپه اقدام کنند. در بین ما کارگران هفت تپه بر سر زبان است که بخش زیادی از پول‌های بلوکه شده توسط عوامل اسدبیگی مدیریت دزد بخش خصوصی شده صنعت نیشکر که در واقع پول خون ما کارگران است توسط یک صرافی به کانادا منتقل شده است.

جا دارد که در این رابطه مجلس کانادا و نخست وزیر «جاستین ترودو» از دولت مردانشان بخواهند در رابطه با این موضوع موضع گیری و تحقیقاتی را سازمان دهند و نتیجه تحقیقات را به مردم ما گزارش نمایند و اقدامات قانونی لازم برای بلوکه کردن این ثروت‌ها که متعلق به کارگران هفت تپه و با اعتبار شرکت ما حاصل آمده، اما سرقت و قاچاق شده است تا در یافتن راهی برای بازگرداندن آن به صاحبان اصلی آن که ما کارگران فنا شده هستیم اقدام نمایند.

\* در این مبارزه عظیم و رودررو، ما مدافعان جنبش طبقاتی به مثابه حلقه پیوند عمل می‌کنیم و اساس اتخاذ تاکتیک و استقلال عمل مبارزاتی کارگران را در هر شرایطی محترم می‌شماریم.

\* در پایان یادمان نرود کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه امروز بر سر چند راهی کارکردن بی نتیجه، یا خصوصی سازی و خصولتی شدن کل نیشکر یا دولتی باقی ماندن آن نمی‌اندیشند. آنها همانطور که به دفعات بیان داشته و طی اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های مختلف خود اعلام داشته‌اند، هر یک آنان صاحبان اصلی این شرکت بزرگ هستند که خود به همراه خانواده‌های‌شان در کنار مردم شوش از دور و نزدیک در چند دهه برای حفظ و تداوم کار آن درد و رنج فراوانی را تحمل کرده‌اند. این حق بایسته یکایک آنان است که اجازه ندهند هر فرصت طلبی اموال چند نسل آنان را به یغما برد. بریکایک ماست که در این مبارزه نابرابر، از خواست‌ها و مطالبات اعلام شده کارگران تا همان هنگام که در مبارزه‌اند با تمام نیرو در داخل و خارج از کشور پشتیبانی نماییم. امروز همچون دیروز صدای یکایک هفت تپه‌ای‌ها باشیم که مطالبات‌شان عیان‌تر از فریاد آنان است؛ این پژواک همه هم سرنوشتان، فرودستان، زحمتکش‌ان و ستم‌دیدگان جغرافیای ماست که غارت گران شکم چران، و هیاکل ایت الله‌های شکر خوار، نان را از سفره‌های‌شان ربوده‌اند و تلاش رنج کارآنان را هم نپرداخته و سرمایه‌های بیش از ۲۵ هزار انسان رنج دیده هفت تپه را به غارت برده‌اند. مبارزه درخشان آنها مبارزه از حق حیات اقتصادی و اجتماعی مردمی است که در این منطقه زیر سیاست‌های چپاولگرانه بخش‌های خصوصی، خصولتی و دولتی، در پناه عوامل سرکوب له شده‌اند. از اینرو همه بخش‌های جنبش کارگری و همه مدافعان آگاه و مسئول این جنبش حیاتی باید استقلال عمل مبارزاتی کارگران شاغل و اخراجی هفت تپه را محترم بدانند و با یکایک آنان همصدایی و پیوندی عمیق داشته باشند.

\* صدای هفت تپه، صدای ماست، نگذاریم این صدا تحت هیچ شرایطی خاموش گردد و برای بلند آوازه کردن این صدا همه توان و ظرفیت خود را به میدان آوریم و با پرهیز از

های و هو، نقشه‌مندتر از همیشه عمل نماییم! از شمال تا جنوب هم صدایی با کارگران هفت تپه و بافریاد اعتراضات یکایک آنان هم آوا باشیم!

منابع :

(۱)- خبرگزاری ایسنا

<https://www.isna.ir/news/99032617077>

(۲)- خبرگزاری فارس

<https://www.farsnews.ir/khuzestan/news/13990301000534>

اتهام استاندار خوزستان در پرونده اسدبیگی و پشت پرده اعتراضات هفت‌تپه

(۳)- خبرگزاری ایلنا

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-928498>

(۴)- خبرگزاری مهر نماینده مردم تهران در گفتگو با مهر: کارگران باید سهامدار هفت تپه شوند:

<https://www.mehrnews.com/news/4974343>